

با دریافت سود از سپرده‌ها موافقم، مشروط بر این‌که این مسئله به اشتغال ذهنی عامه‌ی مردم تبدیل نشود. پس، این مالیات‌گیری می‌باید شامل سپرده‌گذاران بزرگ و حقوقی شود و برای مثال، در وهله‌ی اول شامل همه‌ی سپرده‌گذاران حقوقی و سپرده‌گذاران حقیقی با مانده‌ی بیش از ۱۰ میلیارد ریال (در مجموع حساب‌ها) شود. البته، برای نهادهایی چون خیریه یا صندوق‌های بازنشستگی می‌باید استثنا قائل شد.

دلایل موافقت به شرح زیر است:

۱. کسانی که ریسک کرده و وجوه خود را وارد کسب و کارها می‌کنند یا سهام می‌خرند، بابت سود دریافتی مالیات می‌پردازند. چرا افرادی که وجوه عمده دارند و قبول ریسک هم نمی‌کنند، باید از مالیات معاف شوند؟
۲. از آن‌جا که سود پرداختی مالیات‌گناه است و از هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها می‌کاهد، معافیت سود دریافتی عرصه را برای فرار مالیاتی می‌گشاید. مثلاً، اگر افزایش سرمایه در شرکت‌های تابعه از طریق سپرده‌گذاری در بانک‌ها انجام شود، فرار مالیاتی صورت می‌گیرد.
۳. اخذ مالیات از سپرده‌ها نظام کنترلی و تحلیلی بهتری را بر سپرده‌ها اعمال کرده و مبانی آماری بهتری را در کشور به وجود می‌آورد.
۴. با توجه به مقررات جاری ضد پولشویی، با تمرکز حساب‌های سپرده نزد وزارت امور اقتصادی و دارایی، و اخذ مالیات از این حساب‌ها، اعمال مقررات AML و مبارزه تأمین مالی تروریسم بهتر صورت می‌گیرد.
۵. در همه جای جهان پیشرفته، از سود سپرده‌ها مالیات اخذ می‌شود.
۶. اخذ سود از سپرده‌های بزرگ، آثار توزیعی دارد و به نفع دهک‌های ضعیف‌تر جمعیتی است و توضیح و توجیه آن برای مردم آسان است.

۷. شفاف‌سازی بیشتری در اقتصاد صورت می‌گیرد، و ظرفیت‌های مالیاتی گسترش می‌باید. مثلاً حساب‌های مالکی که از مستأجر ودیعه می‌گیرد. برای مأموران مالیات شفاف‌تر خواهد شد.

۸. گردآوری این مالیات آسان و فاقد هزینه‌های بالاست و در مبدا صورت می‌گیرد؛ تکلیف گردآوری آن برعهده‌ی نظام بانکی است.

البته، اجرای هر سیاستی توجه به دقایق را می‌طلبد و تدابیر خود را دارد. در این عرصه، در مرحله‌ی اول نرخ‌های مالیات می‌باید پایین و حداکثر در سقف ده درصد باشد. ثانیاً به هیچ‌وجه تعرضی به سپرده‌گذاران کوچک و متوسط صورت نگیرد. به علاوه، با توجه به معافیت ابزارهای با درآمد ثابت در بورس (مثل اوراق مشارکت، صکوک، ..)، متناسباً می‌باید آن ابزارها نیز مشمول مالیات شوند.